

## ای گونه کمیاب به گونی برگرد کنسل شده انقلاب سرما نخوری

در برهه حساس کنونی برگرد  
روز ۹ دی به اندرونی برگرد  
صامره حبیبی

## کف بینی برانداز

فروغ زال  
طنزپرداز

از آنجا که چهل سال است اگر تا فلان ساعت از فلان روز مبارزه را ادامه دهند، نظام تغییر می کند و مسئولانش که سوار یک هواپیما همراه با کیف های پر از طلا به ونزوئلا رفته اند، دیگر بر نمی گردند، لازم دانستیم تا طبق اصول کف بینی دست یک برانداز را بررسی کنیم که «چرا نمی شود؟» بررسی های انجام شده نشان می دهد، براندازانی که بعد از ۹ دی ۸۸، همچنان به شغل براندازی شان ادامه داده اند، جزو مقاوم ترین زیرسویه ها هستند که به دلیل نقص بیولوژیکی شان در برابر هر گونه سند و دلیل و گفت وگو ایستادگی می کنند. اما میانی براندازی می گوید کف بینی همانند مرجعیت خبری «منوتو» و «ایران اینترنشنال» و «بی بی سی» از معتبرترین اطلاعات است که باورش دارند. بنابراین در ادامه به آموزش کف بینی از دست یک برانداز می پردازیم تا شاید بتواند با واقعیت هایی کنار بیاید: نزدیک ترین برانداز خارج از گونی را پیدا کنید.

اولین کاری که باید انجام دهید انتخاب کردن دست است. یعنی اینکه انتخاب کنید خطوط کدام دست فرد را بخوانید. معمولاً باید دستی را انتخاب کنید که بیشتر از آن استفاده می کند. چون برانداز در صفحات مجازی اش کلمات نامناسبی استفاده می کند، پس دست چپ او را انتخاب کنید.

### حالا دست او را زیر یک لامپ روشن بگیرد

طبق نظر کف بین ها و متخصصان خواندن خطوط روی دست، خط ها با وضوح کمتر بیانگر بخشی از زندگی است که نیاز دارد روی آنها کار شود، در حالی که خطوط عمیق تر بیانگر ویژگی هایی است که قوی تر هستند. برای براندازان اما فقط یک خط کف دستشان می بینید که یا عمیق است یا سطحی، چون در زندگی یک بعد پیشتر نداشته اند. نکته: (دقت کنید آن خط جای تیزی و قمه کشی آنها نباشد) خط کوتاه و عمیق (انتهای آن نزدیک به مرکز کف دست است که در این قسمت نشان داده شده است):

بسیار فراموشکار است. در اغتشاشات سال ۸۸ هنگام، دویدن در خیابان و آتش زدن خیمه های عزاداری روز عاشورا، مغزش بر زمین افتاده و وقت نکرده تا آن را بردارد. به خاطر همین خیلی زود فراموش کرده که ۹ دی همان سال، جمعیت میلیونی مردم به خیابان آمدند تا او و دوستانش را جمع کنند. این فراموشکاری کار دستش داده و هر روز و هر ساعت ادعا دارد که کار نظام تمام است.

خط های بلند و صاف دارد: (در طول کف دست به سمت انگشت کوچک کشیده شده است):

فکر کردن را اسراف می داند. همین که شبکه های لندن مکان، بگویند کف خیابان ساندیس می دادند و مردم رفته اند باور می کند و حتی با خودش نمی گوید چرا ساندیس؟ چرا پیتزا نه؟ حداقل ارزش نوی سرما و شلوغی بیرون از خانه رفتن را داشته باشد.

خطی که به دو شاخه تقسیم شده است:

عاقبت کارش را خوب می داند اما باز پافشاری می کند. دست خودش نیست. دلارها رو به جلو فشارش می دهند.

خطوط بلند و منحنی دارد: (که به سمت گوشه پایین کف دست پایین آمده است):

از رهبران براندازی است. قابلیت خم شدن در مواقع پول لازم جلوی رئیس جمهورهای آلمان، فرانسه، امریکا و... را دارد.

خط ندارد:

رویات برانداز است.



## فتنه بیرون میزند

امین شفیعی  
شاعر

غالباً از اخم نادان فتنه بیرون می زند  
نیز از نادان خندان فتنه بیرون می زند  
ماه شعبان را مبارک خوانده اند ابدال ما  
گر شود بی مخ، ز شعبان فتنه بیرون می زند!  
مدتی گرم نماز و روزه و ذکر و جهاد؛  
تا که گفتی: «جانمی جان» فتنه بیرون می زند  
غالباً در شیشلیک و جوجه پیدا می شود  
ناگهان از تکه ای نان فتنه بیرون می زند  
وای اگر گرم طمع را در دهان انداختی!  
عاقبت از تاج دندان فتنه بیرون می زند  
آدمی یار امام و انقلاب است و عجب!  
ناگهان از او چه آسان فتنه بیرون می زند!  
روی پیچ و دور برگردان تمرکز می کنی  
بعد می بینی ز میدان فتنه بیرون می زند!  
زلف خوبان فتنه ایام گرم سال بود  
ای عجب! حتی زمستان فتنه بیرون می زند

دوربینی زنگ خورده در محیط زیست گفت:  
گاه حتی در بیابان فتنه بیرون می زند  
صاف باش و ساده حتی آن زمان که در هچل،  
اوفتادی! چون ز چاخان فتنه بیرون می زند  
فتنه آدم مگر شغل خود ابلیس نیست  
هی چرا از انگلستان فتنه بیرون می زند؟!  
برگ های مولوی و خواجه عبدالله و شمس  
پودر شد از بس ز عرفان فتنه بیرون می زند  
برهه ها حساس! هی در حال رفت و آمدند  
این وسط هی توی بحران فتنه بیرون می زند  
فتنه مخصوص شب تاریک و ابر و سوز نیست!  
روز! در خورشید تابان فتنه بیرون می زند  
گفت: «تسلیم ولایت باش و از طوفان نترس!»  
نیستی؟ حتی ز قرآن فتنه بیرون می زند!  
شعر را گفتی و حالا کیف داری می کنی؟  
پس مواظب باش! الان فتنه بیرون می زند!

## در زیر پتو خروش صد تکبیرم

حسن اویسی  
شاعر

پوزم زده شد در نهم دی اما  
یک پوزه نو برای خود می گیرم  
با صد «نه دی» هم نروم من از رو  
بد پيله و روسپاه تر از قیرم  
در جمجمه ام جانوری می لولد  
در جای خود آرام نمی گیرم  
با این درجه از آی کیو شکی نیست  
تا آخر عمر با همه درگیرم

هر چند هوا سرد و زمستان گیرم  
در زیر پتو خروش صد تکبیرم  
آنقدر خوشی زده به زیر دل من  
کز امنیت مملکت من دل سیرم  
هنگام جهاد و جنگ، روبه صفتم  
اما جلوی شهین و ساسان شیرم  
خمپاره و ترکش و گلوله به کنار  
من یک چک محکم بخورم می میرم

## شاگرد ننه جان

زهرا فرقانی  
شاعر

دائم نوی میدان بود، مشغول فراخوان بود  
می سوخت و در حال تشجیع مریدان بود

پاریس هوادارش، لندن شده غمخوارش  
سرمایه و پاکارش، گاو عربستان بود

چون سیل شده ملت، بعد از سخن عفت  
دمونستراسیون، بر پایه هذیان بود

مشغول مجازات سطل و اتوبوس و بانک  
آن جمع خداجو که، کفرش همه ایمان بود

برتر ز آمنهوتپ، از کاهن اعظم نیز  
نوستراداموس عمری، شاگرد ننه جان بود

پیروزی قطعی بود در مشت خودش قطعاً  
آن مرد اگر یک چند، داماد خراسان بود

افسوس ندید اصلاً، در حد خودش ما را  
ما بنز و پرداد، او، چون خودروی نیسان بود

تا اینکه نه دی شد، کابوس دغا طی شد  
پایان براندازی، سرمای زمستان بود

گفتیم که حکمش کو؟ گفتند که: «آزادی»  
شاید که چو وایبانی، در حصر پشیمان بود...

### دیالوگ های حدسی!

علی کریمی: دوتا جمله از گوته بگم کل آلمان بریزن بیرون؟  
رئیس جمهور آلمان: گوته! گوته! یاه!  
وسطی: بخند نفهمه چی گفتی! آگه نه همینجا خشابش رو خالی می کنه تو سینه ات!

(امین شفیعی)

رئیس جمهور آلمان: شنیدم جادوگری بلدی...  
علی کریمی: بله قربان، عکس قاتلو بده سه سوت به یه کپی پیست قهرمانش می کنم!!  
وسطی: راست میگو آقا... من دیدم

(محمود حسینی مقدس)

وسطی: علی آقای کریمیه. اومده آگه میشه به غلامی قبولش کنید.  
رئیس جمهور آلمان: تحقیقات محلی رفتید؟  
علی کریمی: خیالتون راحت آقا. بیشتر از وقتی که فوتبال بازی می کردم تو این چن وقته لگد زدم.

(یاسر پناهی فکور)

علی کریمی: من خودم قبلاً بایرن مونیخ بشه جمهوری اسلامی سقوط میشه بایرن قهرمان نمیشه جمهوری اسلامی میشه مونیخ  
رئیس جمهور آلمان: این چی میگو؟  
وسطی: منم نمی فهم ولی فک کنم اقامت میخواد.

(امین میمندیان)

رئیس جمهور آلمان: بگو ما عزاداریم  
وسطی: بگو ما عزاداریم  
علی کریمی: بگو ما عزاداریم

(محمد محمدی)

